



بیستم : یه نده به محیط اداحتم دیدم وای چقدر نمیز سده ، چقدر همه چیز زیبار سده ، چقدر نار اب نمیزر سده : چقدر صدای پرنده ها حالا شنیدنی تر شده ... کنار آب رودخونه رفتم دیدم ماهی هم هست !!!

اصلا تو اون حجم زباله دیده نمیشد ... وای خدای من ... انگار دنیا رو بهم دادی ، اینقدر که انرژی گرفته بودم برای یه هفته شارژ بودم ... احساس می کردم پرنده ها ، رودخونه ، زمین ، ماهی ها و ... همشون دارم دعای می کنن ... ناخودآگاه لبخند روی لبهام اومد ... تعجب کردم چرا صورتم نسوخته ؟ دیدم یه دو ساعتی هست که تیکه تیکه ابرها میان جلوی خورشید رو میگیرن که ما راحت تر طبیعت رو تمیز کنیم .... خدایا دوستت دارم ... چقدر بهم انرژی دادی ... هفته دیگه هم میام ...

نویسنده : محمد نصیری

منبع : جزیره سینما و تاتر وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی است

مطلب اصلی